

## کودتای ۲۸ مرداد

(۱۴)

کودتای ۲۸ مرداد را می توان بدون کم ترین تعصبی آغازگر مرحله جدیدی دانست که خسارت های بی شمار آن هر روز دامنه وسیع تری می گیرد. برای پیشگیری از خسارت ها یک راه بیشتر نیست. باید به جزئیات تلاش رهبر فقید نهضت ملی ایران و ملی کردن صنایع نفت پی ببریم، آن را بشناسیم تا بتوانیم به دلایل اقدام انگلیس و امریکا در رابطه با کودتای ۲۸ مرداد پی ببریم. پس از دو مرحله مهم شناخت نهضت ملی و پی بردن به دلایل و شیوه های انجام کودتای ۲۸ مرداد و اهداف نهفته در آن قادر خواهیم شد از تداوم خسارت های روزافزون آن پیش گیری کرده و نهضت ملی را بار دیگر به وجود آوریم.

آقای دکتر فخرالدین عظیمی نتیجه تحقیقات علمی خود را در چنین زمینه ای که در بالا اشاره شد در یک کتاب به نام «حاکمیت ملی و دشمنان آن» منتشر ساخته اند. این کتاب توسط «نشر نگاره آفتاب» در سال ۱۳۸۳ منتشر شده که خواندن آن را به عموم ایران دوستان پیشنهاد می کنیم.

اکنون قسمت بسیار مهمی از این اثر ارزنده و پژوهش علمی را که در بخش ۵ این کتاب به رشته تحریر در آمده در زیر تقدیم می کنیم. این پژوهش مهم را در ۵ یا ۶ بخش منتشر می کنیم تا بتوانیم آن را به دفعات، با حجم کم ضمیمه ای میل های الکترونیکی به یاران این تارنما در درون ایران بفرستیم.

تارنمای «چه باید کرد؟»

محمد حسینی

### دوستی های گذرا و دشمنی های پایدار نهضت ملی ایران

بخش (۳)

حسین مکی

مکی ورود مؤثر خود به عرصه سیاسی را مدیون قوام بود. عضویت در حزب دموکرات ایران قوام موجب شد مکی بتواند نماینده دوره پانزدهم مجلس شود. اما او در دوره نمایندگی، حامی خود، قوام را رها

حاکمیت ملی و دشمنان آن

۱۱۸

کرد، به آرمانهای ملی دلبستگی نشان داد، و در شمار یاران مصدق - که قوام نگذاشته بود به مجلس پانزدهم راه یابند - درآمد. مکی نقش مهمی در جلوگیری از تصویب قرارداد الحاقی نفت (قرارداد گس - گلشائیان) در مجلس ایفا کرد و این موجب حیثیتی برای او شد و نامش سر زبانها افتاد. در مهرماه ۱۳۲۸ (اکتبر ۱۹۴۹) به فراخوان مصدق جمعیتی گرد آمدند تا به جریان تقلب در انتخابات مجلس شانزدهم اعتراض کنند. مکی یکی از بیست نفر سرشناسی بود که از میان جمعیت برگزیده شدند تا در کاخ مرمر، که جایگاه دربار شاه بود، به تحصن بنشینند. این معترضان سرانجام جبهه ملی را پدید آوردند - ائتلاف نه چندان منسجمی که دل بسته آرمانهای ملی و دموکراتیک بود. مکی، همانند مصدق، یکی از کسان انگشت شماری بود که به رغم تلاشهای هماهنگ حکومت، سرانجام به نمایندگی مجلس شانزدهم برگزیده شدند. گروه پارلمانی کوچکی که در اثر انتخاب این کسان پدید آمد می توانست اقتدار اخلاقی سترگی را اعمال کند و سیاست ایران را به سوی برد که به ملی کردن صنعت نفت و نخست وزیری مصدق انجامید.

مکی، در مقام نماینده‌ای هوادار مصدق، نقش مهمی در رویارویی با مخالفان پرخاشگر او ایفا می‌کرد. او خود را قهرمان و پیشتاز جنبش ملی کردن صنعت نفت می‌دانست؛<sup>۱۹</sup> ولی از اینکه در شمار کسانی گنجانده نشد که به همراهی مصدق برای شرکت در مذاکرات سازمان ملل به نیویورک رفتند، ناخشنود شد و ابراز شکوه‌های پی‌درپی او موجب شد مخالفان مصدق او را متحدی بالقوه بدانند. به تشویق میدلتون، کاردار سفارت انگلستان، پشتیبانان قوام کوشیدند او را به

---

۱۱۹ یاران پیشین: دوستیهای گذرا و دشمنیهای پایدار

سوی خود جلب کنند.<sup>۲۰</sup> او در انتخابات مجلس هفدهم بیشترین و بی‌سابقه‌ترین شمار آرا را به دست آورد و چشم‌انداز نخست‌وزیر شدن خود را از نظر دور نداشت. پس از قیام ۳۰ تیر، اختلاف نظرهای مکی با مصدق که از مدت‌ها پیش به روشنی محسوس بود، رفته رفته آشکارتر و دامنه‌دارتر شد. تصویرگراف آمیزی که مکی از خود داشت کم‌کم به نخوتی آزاردهنده بدل شد. او بر آن بود که در تحولاتی که به نخست‌وزیری مصدق انجامیده اساسی‌ترین نقش را ایفا کرده است،<sup>۲۱</sup> ولی تازه‌واردانی که پیرامون مصدق گردآمده بودند بر او (مکی) سایه افکن شده بودند. او، به همراه دیگر اعضای ناراضی جبهه ملی، از اختیاراتی که مصدق پس از ۳۰ تیر به دست آورد ناخشنود بود و آشکارا و گستاخانه با تمدید آن اختیارات مخالفت ورزید؛ ولی در پی کامیابی مصدق به واپس‌نشینی تاکتیکی پرداخت. تلخکامی فزاینده او سبب شد که در رویدادهای نهم اسفند ۱۳۳۱، بی‌آنکه جای ابهامی باقی گذارد، به هواداری شاه برخیزد.

مکی با اینکه از بقایی و حائری‌زاده خوددارتر بود، همانند آنان به کناره‌جویی از مصدق و دست برداشتن از پشتیبانی او بسنده نکرد، بلکه فعلاً به مخالفان مصدق، به ویژه به زاهدی پیوست. طبق گزارشی که سفارت آمریکا در نیمه فروردین ۱۳۳۲ بر اساس اظهارات حسین علاء تهیه کرده بود، کاشانی و مکی با اینکه پشتیبان زاهدی بودند از اینکه به یکباره و آشکارا از او هواداری کنند پرهیز داشتند و چنین برمی‌آمد که می‌خواستند «خود را در وضعیتی قرار دهند که به آنها مجال می‌داد در صورت شکست تلاشها برای برکنار کردن مصدق

---

حاکمیت ملی و دشمنان آن

۱۲۰

از راههای مسالمت‌آمیز یا راهی دیگر، بتوانند مدعی دخالت‌نداشتن در ماجراها شوند.»<sup>۲۲</sup> در ۱۷ خرداد ۱۳۳۲ (۷ ژوئن ۱۹۵۳) پرخاشگری ناسزاگویانه مکی به احمد رضوی، نایب رئیس مجلس هفدهم که هوادار مصدق بود، دامنه خشم و کینه‌توزیهای مکی را بیشتر نمودار کرد.<sup>۲۳</sup> انتخاب او از سوی مجلسیان به عضویت کمیسیونی که وظیفه حساس نظارت بر انتشار اسکناس را عهده‌دار بود، مصدق را در تصمیم خود بر انحلال مجلس از راه همه‌پرسی مصمم‌تر کرد.

در ۱۳۲۹ (۱۹۵۱) هنگامی که صنعت نفت ملی شد، مکی نماینده برازنده و چهل ساله مجلس بود. او از خانواده‌ای تجارت‌پیشه برخاسته بود ولی دانش آموخته دانشگاه نبود و در جمع اطرافیان مصدق که بیشتر دانشگاهیان درس خوانده فرانسه، حقوق‌دانان، روشنفکران و تحصیل‌کردگان دیگر بودند، چندان احساس راحتی نمی‌کرد. این موجب شده بود او آزمون جویی و نخوتی تصنعی را در خود برانگیزد و بکوشد برای خود، به عنوان تاریخ‌نگار، اعتبار دانشورانه‌ای دست‌وپا کند؛ اما بیشتر نوشته‌های مکی، با اینکه به عنوان سند یا مواد خام، تاریخ‌پژوهان را به کار می‌آید، جُنگها یا گردآوریهای نامنسجمی است انباشته از یادآوریها و سخنانی که هدف آنها، در بسیاری موارد، تأکید بر نقش قاطع و کارنامه بی‌خداشده خود اوست.<sup>۲۴</sup> مکی در حوزه زندگی سیاسی با اینکه مردی کزتاب و در مواردی تندخو و سخت‌بذبان بود می‌توانست سخنرانی مؤثر و میانجی‌گری آزموده و ماهر باشد. او می‌توانست در رویارویی با مصدق‌ستیزانی که ظرافتهای روشنفکرانه در آنها اثری نمی‌کرد، حریفی کارآمد باشد.

مکی پیش از آنکه به مصدق پشت کند از مهرورزی او برخوردار بود و به روایتی، سخن او بر مصدق تأثیر زیادی داشت.<sup>۲۵</sup> اما مکی از نظر دلبستگیها و باورهای سیاسی کاملاً پذیرای تصورات رایج بود که سیاست پارلمانی مستلزم این است که نه تنها با اقتدار پادشاهی قدرتمند مقابله شود، بلکه مهمتر از آن، قدرت نخست‌وزیر محدود بماند.

مکی، بقایی و حائری‌زاده از اعضای کمیسیون هشت‌نفره‌ای بودند که بر برداشت مشروطه‌خواهانه مصدق صحه گذاشت. که پادشاه باید سلطنت کند نه حکومت؛ اما مکی، همانند نام‌برندگان دیگر، مانع از تصویب گزارش این هیأت در مجلس شد.

سیاست یا آداب حکومتگری دلخواه مکی ترتیباتی بود که افرادی مانند او را قادر می‌کرد نقش میانجی‌گران یا کارگشایان قدرتمند و بانفوذ را ایفا کنند. کسانی که هم شاه به آنان نیازمند بود و هم نخست‌وزیر؛ کسانی که در عین حال از فرصتی فراوان بهره‌ور بودند تا خود را پاسداران سازش‌ناپذیر «قانون اساسی» جلوه‌گر سازند و آرمانهای مخالفت‌آمیز را برکشند. مکی از موضع‌گیری علیه انگلیسیان پرهیز نداشت، با این همه پس از آنکه میدلتون، کاردار سفارت انگلستان، به لندن بازگشت، در میان هواداران مصدق، او را در صف «ترکان جوان» جای داد. کسانی که امیدوار بودند کشورشان از «تجدید حیات ملی حقیقی» بهره‌مند شود.<sup>۲۶</sup> ارزیابی مقامات دیگر وزارت خارجه انگلستان از مکی به گونه‌ای دیگر بود. ای. کی. راتنی (A.K. Rothnie) مکی را گروهبان پیشینی در نیروی هوایی ایران توصیف کرد که «به اتهام دزدیدن ابزار» اخراج شده بود. او افزود: «به فراوانی گزارش شده است

که مکی آماده بوده است اگر ما پولی به او پرداخت کنیم، جبهه ملی را رها کند... آرزوی او احتمالاً این است که جای مصدق را به عنوان دیکتاتوری جوان بگیرد؛ ولی نخوت و سرشت پرخاشگرا و همکاریش را با دیگران دشوار خواهد کرد. بی‌بهرگی کامل او از اصول و از دل‌نگرانی‌های وجدانی، موجب خواهد شد مکی برای ایران رهبری بسیار ناخوشایند باشد.»<sup>۲۷</sup>

**ادامه به زودی در بخش ۴**